

بررسی تاثیر نظام مالیاتی بر بهبود فضای کسب و کار به روش دلفی

داود بهبودی*

فرانک باستان**

چکیده

بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. شفافیت و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر رقابت‌مندی است زیرا منجر به نتایج مثبت اقتصادی از قبیل توسعه صنعتی و صادرات صنعتی می‌شود. یکی از شاخص‌های تاثیر گذار در بهبود فضای کسب و کار کشورها، شاخص پرداخت مالیات می‌باشد که تدوین نظام مالیاتی موثر و کارآمد، سبب شفاف سازی در قوانین مالیاتی و بهبود شاخص اخذ مالیات در فضای کسب و کار کشور خواهد شد.

در گزارش سال ۲۰۱۰ بانک جهانی از وضعیت کسب و کار که ۱۰ شاخص مهم در کسب و کار ۱۸۳ کشور جهان مورد بررسی قرار گرفته است، ایران از لحاظ شاخص پرداخت مالیات در میان این کشورها رتبه ۱۱۷ را کسب کرده است. بنابراین با توجه به اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و رویکرد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، مبنی بر ارتقای شاخص‌های فضای کسب و کار، بررسی تاثیر نظام مالیاتی بر بهبود فضای کسب و کار و ارائه راهکارهای مناسب ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به اینکه نظام مالیاتی کارآمد و موثر باید به گونه‌ای تدوین شود که ضمن افزایش درآمدهای مالیاتی، موجب نارضایتی عامه مردم نشده و تاثیر نامطلوبی بر پیکره اقتصاد وارد نسازد، لذا تدوین نظام مالیاتی مناسب و بررسی تاثیر آن بر فضای کسب و کار

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز DBEBUDI@GMAIL.COM

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز FARANAK.BASTAN@GMAIL.COM

کشور، فعالیتی چند بعدی و دشوار است و ماهیت مساله به گونه‌ای است که حصول به دستاوردهای عینی، مستلزم همفکری و همکاری خبرگان در بخش‌های مختلف جامعه است. به این منظور در این مقاله از روش دلفی^۱ برای تعیین اثرات نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار استفاده شده است. یافته‌های مقاله راهکارهایی را در محورهای سه گانه: کاهش زمان پرداخت و هزینه‌های وصول مالیات، افزایش پایه مالیاتی و میزان وصول پرداخت مالیات و نیز گسترش و ارتقاء فرهنگ پرداخت مالیات ارائه نموده است.

واژه‌های کلیدی: نظام مالیاتی، فضای کسب و کار، رقابت‌مندی، روش دلفی

۱- مقدمه

اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقاء سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود، بلکه به طور قطع از منظر سرمایه‌گذاران خارجی از جمله نماگرها برای ورود به کشور میزبان و شرط لازم برای ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور محسوب می‌شود که یکی از این شاخص‌ها، شاخص پرداخت مالیات می‌باشد. همچنین مدیریت موفق اقتصاد کلان و توفیق در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مستلزم توانمندسازی بخش خصوصی از طریق کاستن هزینه‌ها و ریسک‌های عاملان خصوصی و برداشتن موانع و اصلاح نظام کسب و کار است. وجود سیاست‌ها و نظام مالیاتی موثر و کارآمد، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در تحقق اهداف مالیاتی و همچنین بهبود فضای کسب و کار می‌باشد. سیاست‌های مالیاتی در نحوه سرمایه‌گذاری‌های عمومی و بازتوزیع درآمدها بسیار موثر هستند (European Commission, 2000). البته نظام مالیاتی باید به گونه‌ای تدوین شود که اولاً باعث بهبود فضای کسب و کار شده و اهداف مالیاتی را محقق سازد، ثانیاً موجب نارضایتی عامه مردم نشده و تاثیر نامطلوبی بر پیکره اقتصاد کشور (به لحاظ تورم، رکود و ...) وارد نسازد. لذا تدوین نظام مالیاتی مناسب و بررسی تاثیر آن بر فضای کسب و کار کشور، فعالیتی چند

1- Delphi

بعدی و دشوار است و ماهیت مساله به گونه‌ای است که حصول به دستاوردهای عینی، مستلزم همفکری و همکاری خبرگان در بخش‌های مختلف جامعه است. به این منظور در این مقاله از روش دلفی برای تعیین اثرات نظام مالیاتی بر بهبود فضای کسب و کار استفاده خواهد شد.

۲- بیان مسئله

فضای کسب و کار در یک تعریف کلی مجموعه عوامل محیطی در عرصه بین بنگاهی و نیز سطح کلان است که بر عملکرد بنگاه تاثیر می‌گذارد و تغییر آن از سوی مدیر بنگاه امکان‌پذیر نیست. مادامی که شاخص‌های مربوط به فضای کسب و کار ارتقا نیابد، بهبود عملکرد بنگاه‌ها و به طور کلی رشد بخش خصوصی امکان‌پذیر نخواهد بود. فضای کسب و کار در ایران متأثر از قوانین، مقررات و رویه‌های کاری تعداد زیادی از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی و خصوصی می‌باشد. همان طور که اشاره شد، یکی از شاخص‌های ده-گانه فضای کسب و کار، پرداخت مالیات است که این شاخص تا حدود زیادی مربوط به سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد. سازمان امور مالیاتی کشور تنها سازمانی است که برای افزایش کارایی نظام مالیاتی کشور و تمرکز کلیه امور مربوط به جمع‌آوری درآمدهای حاصل از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت ایجاد شده است. سازمان بر این اعتقاد است که می‌تواند با اجرای مطلوب قوانین مالیاتی و تحقق اهداف مالیاتی، نقش موثری در راستای دستیابی به اقتصاد سالم و پایدار و بهبود فضای کسب و کار کشور ایفا نماید (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۴).

بازنگری در قوانین مالیاتی کشور از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و ضرورت تدوین و طراحی نظام مالیاتی نوین کشور با هدف بهسازی و توسعه امور مالیاتی و بهبود روش‌ها، برای نخستین بار در قالب تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۹ مورد توجه قرار گرفت. در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، نظر به تسریع در ساماندهی نظام مالیاتی و بهبود پرداخت مالیات در کشور، دولت موظف شد تا در طول برنامه، نظام جامع اطلاعات مالیاتی را طراحی و اجرا کند. ولی متأسفانه به دلیل آنکه مالیات نقش تعیین‌کننده‌ای به عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست مالی در اقتصاد کشور ما ندارد و صرفاً به آن از منظر درآمدی

توجه می‌شود، لذا تدوین سیاست‌های مالیاتی و نظام مالیاتی مناسب در دامنه بسیار محدودی، توسط اقتصاددانان و سیاست‌گزاران اقتصاد کلان کشور تجربه شده است. بنابراین در راستای تدوین سیاست‌های مالیاتی و تاثیر آنها بر بهبود پرداخت مالیات در کشور و به تبع آن بهبود فضای کسب و کار، لازم است از خرد جمعی صاحب‌نظران، که از منافع اصلی مالیات در بخش‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی به صورت تخصصی و نیز کارشناسی مطلع باشند، بهره برد. اما دسترسی و برقراری ارتباط همزمان با همه آنان به سادگی امکان‌پذیر نیست.

ضمناً پیشنهاد سیاست‌های مالیاتی مناسب، نیازمند چشم‌اندازی نسبتاً روشن از آینده، همراه با تفکر و تدبیری عمیق در مسائل اقتصادی و اجتماعی بوده، که در محدوده زمانی کوتاه، مقدور نمی‌باشد. از سوی دیگر هر یک از ذی‌نفعان نظام مالیاتی بر اساس درک و شناخت خود، برداشت‌های متفاوتی از مفهوم نظام مالیاتی و تاثیر آن بر پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار دارند. بنابراین طراحی سیستمی منطقی و منصفانه به منظور امکان درک درست از مسئله، فارغ از تعصبات صنفی و فردی، ضروری به نظر می‌رسد.

در این مقاله تلاش می‌شود تا علاوه بر بررسی وضعیت شاخص پرداخت مالیات در ایران، سیاست‌ها و نظام مالیاتی مناسب و تاثیر آن بر بهبود فضای کسب و کار، از طریق خرد جمعی و به کارگیری روش دلفی تعیین گردد.

۳- روش دلفی

روش دلفی یکی از روشهای تصمیم‌گیری گروهی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از این روش دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان درباره موضوعی خاص است که با استفاده از پرسشنامه و نظرخواهی از خبرگان، به دفعات، با توجه به بازخورد حاصل از آنها صورت می‌پذیرد. در واقع این روش بررسی کاملی بر نظرات خبرگان، با سه ویژگی اصلی است: پاسخ بی‌طرفانه به سوالات (پرسشنامه)، تکرار دفعات ارسال سوالات (پرسشنامه) و دریافت بازخورد حاصل از آنها و تجزیه و تحلیل آماری از پاسخ به سوالات به صورت گروهی. در روش دلفی داده‌های ذهنی افراد خبره با استفاده از تحلیل‌های آماری به داده‌های تقریباً عینی تبدیل می‌شود. این روش منجر به نیل به اجماع





در تصمیم‌گیری می‌گردد. این روش در زمینه‌های متعدد پیش‌بینی و تصمیم‌گیری، مورد استفاده قرار گرفته است (آذر و فرجی، ۱۳۸۱). برخی از موارد کاربرد آن عبارتند از: آینده-نگاری فناوری، تجزیه و تحلیل خدمات دولتی، ابداعات آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی (اصغرپور، ۱۳۸۲)، پیش‌بینی جهت‌گیری سازمان‌ها (Loo, 2002) و دسته‌بندی مشتریان و شناخت مناسب‌ترین گروه برای برنامه‌ریزی (Neiger, et al, 2001).

روش دلفی با مشارکت افرادی انجام می‌پذیرد که در موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص باشند. این افراد با عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند. گزینش اعضای واجد شرایط برای پانل دلفی از مهمترین مراحل این روش به حساب می‌آید. زیرا اعتبار نتایج کار بستگی به شایستگی و دانش این افراد در موضوع مورد نظر دارد. بنابراین، اعتبار روش دلفی، برخلاف روشهای تحقیق پیمایشی، نه به تعداد شرکت کنندگان در تحقیق بلکه به اعتبار علمی متخصصان شرکت کننده در پژوهش بستگی دارد. این افراد بر خلاف آنچه در پیمایشهای کمی مرسوم است، بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی انتخاب نمی‌شوند. زیرا این روش سازوکاری برای تصمیم‌گیری گروهی است و نیاز به متخصصان واجد شرایطی دارد که درک و دانش عمیقی از موضوع مورد پژوهش داشته باشند. از ویژگی‌های اعضای پانل این است که با مساله مورد بحث درگیر بوده و اطلاعات مداوم از مساله را برای همکاری داشته باشند. حداقل تعداد شرکت کنندگان بستگی به چگونگی طراحی روش تحقیق دارد. با توجه به ویژگی‌های مذکور سی نفر از خبرگان شامل ۸ نفر از اعضای هیئت علمی صاحب‌نظر در مورد مالیات و سیاست‌های مالیاتی، ۱۳ نفر از متولیان مالیاتی شامل کارشناسان خبره سازمان امور مالیاتی و فعالان بخش خصوصی درگیر امور مالیاتی و ۹ نفر از کارشناسان سازمان بازرگانی به عنوان اعضای پانل دلفی انتخاب شدند.

بدیهی است که روش دلفی در مسائل مهمی مانند انتخاب سیاست‌های مالیاتی مناسب به منظور بهبود فضای کسب و کار که دارای حساسیت‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی است، از کارایی بسیاری برخوردار بوده و نتایج آن به دلیل روشمندی ریاضی از پذیرش خوبی در میان صاحب‌نظران برخوردار است.

۴- مبانی نظری

مالیات به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر در جوامع بشری مطرح است. این واقعیت در کشورهایی که دارای دارای منابع غنی طبیعی هستند و همچنین در کشورهایی که فاقد چنین ثروتهایی هستند نیز وجود دارد. امروزه نمی‌توان در دنیا اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد که مالیات و نظام مالیاتی به عنوان یک عامل موثر در آن شناخته نشود.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل تغییر نگرش‌های خود در این حوزه، توفیق یافته‌اند که با تدوین نظام مالیاتی موثر، شاخص‌های مالیاتی خود را حتی از کشورهای پیشرفته نیز ارتقا دهند. به عنوان مثال در حالی که نسبت مالیات به بودجه جاری در آمریکا ۱۰۵ و استرالیا ۱۰۴ می‌باشد، در در زامبیا به ۱۱۹ و در تایلند به ۱۶۴ رسیده است. این نسبت در ایران همواره زیر ۴۰ و حدود ۳۶ بوده است. این آمار حاکی از این است که راهی دشوار و طولانی پیش روی سیاستگذاران و مدیران اجرایی این عرصه وجود دارد (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۸۴).

وجود سیاست‌ها و نظام مالیاتی موثر و کارآمد، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در تحقق اهداف مالیاتی و همچنین بهبود فضای کسب و کار می‌باشد. سیاست‌های مالیاتی در نحوه سرمایه گذاری‌های عمومی و بازتوزیع درآمدها بسیار موثر هستند (European Commission, 2000) البته نظام مالیاتی باید به گونه‌ای تدوین شود که اولاً باعث بهبود فضای کسب و کار شده و اهداف مالیاتی را محقق سازد، ثانياً موجب نارضایتی عامه مردم نشده و تاثیر نامطلوبی بر پیکره اقتصاد کشور (به لحاظ تورم، رکود و ...) وارد نسازد.

شاخص سهولت پرداخت مالیات و وضعیت آن در کشور:

در گزارش‌های فضای کسب و کار بانک جهانی با عنوان *Doing Business* منتشر می‌شود، شاخص‌های فضای کسب و کار برای کشورهای مختلف مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته است. شاخص‌هایی که مبنای رتبه‌بندی و مقایسه قرار می‌گیرند عبارتند از شروع کسب و کار، اخذ مجوزها، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، الزام‌آور بودن قراردادهای و انحلال فعالیت. بانک مذکور به استناد ۱۰ شاخص فوق رتبه سهولت کسب و کار کشورهای مختلف را تعیین و به صورت مقایسه‌ای برای تمامی کشورها منتشر می‌کند.

شاخص سهولت پرداخت مالیات معرف آن است که یک شرکت با اندازه متوسط در یک سال مالی چه فرایندی را برای پرداخت مالیات طی می‌کند و بر اساس سه معیار تعداد پرداخت مالیات در یک سال، ساعت صرف شده برای انجام امور مالیاتی و نرخ کل مالیات به صورت درصدی از سود پرداخت می‌شود، محاسبه می‌گردد.

مالیات کارکردی دوگانه دارد. از یک طرف اخذ مالیات یکی از منابع مهم درآمد دولت محسوب می‌شود، از این رو دولت‌ها به دنبال راهی برای افزایش درآمدهای مالیاتی خود هستند، از طرف دیگر مالیات یکی از ابزارهای کنترلی و سیاست اقتصادی و نیز عاملی برای تعیین وضعیت فضای کسب و کار کشور است. این جنبه از کارکرد مالیات در حفظ توازن اقتصاد از جمله بهبود فضای کسب و کار نقش اساسی را ایفا می‌کند. در این راستا لازم است تا نهاد مالیاتی کشور از طریق کاهش زمان و تعداد پرداخت‌های مالیات و همچنین از طریق کاهش نرخ‌های مالیات به بهبود شاخص پرداخت مالیات کمک نماید.

بر طبق گزارش‌های اشاره شده، شاخص سهولت پرداخت مالیات ایران از رتبه ۱۰۷ در سال ۲۰۰۹ به ۱۱۷ در سال ۲۰۱۰ سقوط کرده است (جدول ۱). همچنین طبق نمودار (۱)، به لحاظ شاخص پرداخت مالیات، مالدیو با رتبه ۱ در صدر جهان قرار گرفته و رتبه ایران ۱۱۷ می‌باشد

جدول ۱: شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران

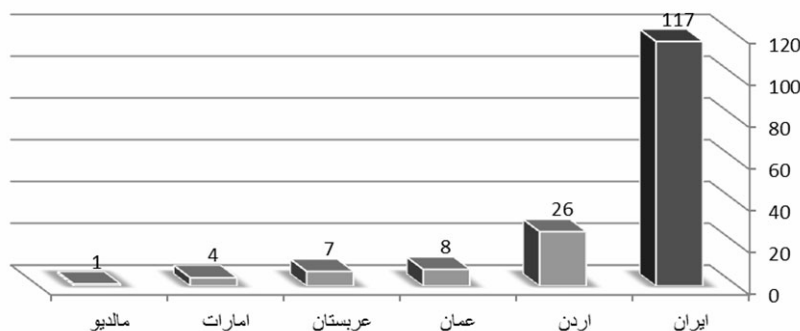
۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	
۱۱۷	۱۰۷	رتبه
۴۴/۲	۴۴/۲	۴۴/۲	کل نرخ مالیات
۲۲	۲۲	۲۲	تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات
۳۴۴	۳۴۴	۳۴۴	کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات (ساعت)

ماخذ: گزارش ۲۰۱۰ Doing Business

جدول ۲: شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران و کشورهای منتخب

عمان	عربستان	امارات	ایران	
۸	۷	۴	۱۱۷	رتبه
۲۱/۶	۱۴/۵	۱۴/۱	۴۴/۲	کل نرخ مالیات
۱۴	۱۴	۱۴	۲۲	تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات
۶۲	۷۹	۱۲	۳۴۴	کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات (ساعت)

ماخذ: گزارش ۲۰۱۰ Doing Business



نمودار ۱: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص پرداخت مالیات (در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست جهان)

ماخذ: گزارش ۲۰۱۰ Doing Business

ارقام مربوط به هر کدام از شاخص‌های فوق و مقایسه ارقام مزبور با رقم‌های مشابه در منطقه و کشورهایی که از نظر درآمدی، هم گروه با ایران محسوب می‌شوند، وضعیت ایران را به وضوح نشان می‌دهد. برای مثال، تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات در ایران برابر ۲۲ می‌باشد که همین رقم در مورد امارات برابر ۱۴ است. از طرفی کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات در ایران ۳۴۴ ساعت و در امارات برابر ۱۲ ساعت می‌باشد (جدول ۲). با توجه به آمارهای فوق‌الذکر، ایران در زمره کشورهایی است که شاخص پرداخت مالیات و به تبع آن فضای کسب و کار در این کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد. وضعیت فعلی نظام مالیاتی کشور با مشکلات ساختاری زیادی روبرو است که موجب شده هم دولت نتواند از طریق نظام مالیاتی منابع مالی لازم برای مخارج



سرمایه‌ای و جاری را تامین نماید و هم بخش اعظم افراد از مالیات وضع شده بر آنان ناراضی باشند. بدین ترتیب اصلاح نظام مالیاتی در جهت انجام وظایف مربوط به خصوص اصلاح ساختار کسب درآمد دولت و اصلاح نظام توزیع مناسب و مطلوب درآمد و ثروت اقشار مختلف افراد کشور (کارکرد باز توزیعی درآمد مالیات) و مهم‌تر از همه بهبود فضای کسب و کار، از اهمیت زیادی برخوردار است.

قوانین و مقررات غیرهمسو، فرآیندهای غیراستاندارد، عدم استفاده از فناوری‌های روز، ارتباط مستقیم بین ماموران مالیاتی و مودیان، فرار مالیاتی زیاد به خصوص در دهک‌های بالای درآمدی، پایین بودن فرهنگ مالیاتی، گستردگی معافیت‌های مالیاتی، نارسایی‌هایی اجرایی در مرحله وصول مالیات و وجود وقفه‌های مالیاتی را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی نظام مالیاتی، عنوان کرد.

با توجه به نکات و موارد نارسایی ذکر شده در بالا، پرسشنامه‌ای به منظور اخذ نظر خبرگان در خصوص میزان تأثیرگذاری عوامل ذکر شده بر پرداخت مالیات و فضای کسب و کار به صورت نظری و همچنین میزان تأثیرگذاری آنها در وضعیت فعلی کشور، طراحی گردید و در دو مرحله به حضور صاحب‌نظران و اعضای پانل دلفی ارسال شد. در جدول ۳ نظرات خبرگان در مورد اهمیت نظری عوامل موثر بر بهبود شاخص پرداخت مالیات و فضای کسب و کار و در جدول ۴ تأثیرگذاری این عوامل در کشور ارائه شده است. برای مثال، به طور متوسط ۷۲ درصد از صاحب‌نظران در مورد سیاست گسترش پایه مالیاتی و کاهش نرخ آن به منظور افزایش پرداخت مالیات و بهبود شاخص فضای کسب و کار به این اجماع نظر رسیده‌اند که تأثیر این سیاست به صورت نظری زیاد و ۷۱ درصد نیز بر این عقیده اند که تأثیرگذاری این سیاست در کشور زیاد خواهد بود

جدول ۳: نتایج دیدگاه خبرگان حاصل از پرسشنامه اول و دوم

وزن و اهمیت نظری عوامل تأثیرگذار (درصد)			عوامل تأثیر گذار بر شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
فرارونی نسبی آرا	زیاد و خیلی زیاد	کم و خیلی کم	
مرحله اول	٪۷۲	٪۲۸	تأثیر سیاست گسترش پایه مالیاتی در میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار در کشور
مرحله دوم	٪۷۸	٪۲۲	

وزن و اهمیت نظری عوامل تاثیرگذار (درصد)			عوامل تاثیر گذار بر شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
کم و خیلی کم	زیاد و خیلی زیاد	فراوانی نسبی آرا	
٪۴۶	٪۵۴	مرحله اول	تاثیر اندازه دولت در پرداخت مالیات
٪۵۰	٪۵۰	مرحله دوم	
٪۳۷	٪۶۳	مرحله اول	تاثیر مقدار درآمدهای نفتی (میزان وفور منابع طبیعی) در میزان پرداخت مالیات
٪۳۶	٪۶۴	مرحله دوم	
٪۱۶	٪۸۴	مرحله اول	تاثیر سیستم الکترونیکی پرداخت مالیات در کاهش زمان پرداخت و بهبود فضای کسب و کار
٪۱۴	٪۸۶	مرحله دوم	
٪۳۵	٪۶۵	مرحله اول	تاثیر گسترش و ترویج روش خوداظهاری در پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
٪۱۶	٪۸۴	مرحله دوم	
٪۲۷	٪۷۳	مرحله اول	تاثیر اندازه بخش غیررسمی (اقتصاد زیرزمینی) در میزان پرداخت مالیات
٪۱۳	٪۸۷	مرحله دوم	
٪۱۳	٪۸۷	مرحله اول	تاثیر بازنگری در قوانین مالیاتی بر محقق شدن درآمدهای مالیاتی و بهبود فضای کسب و کار
٪۱۳	٪۸۷	مرحله دوم	
٪۴۰	٪۶۰	مرحله اول	تاثیر سیاست معافیت مالیاتی در میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
٪۶۶	٪۳۴	مرحله دوم	
٪۳۲	٪۶۸	مرحله اول	تاثیر اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده بر میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
٪۱۰	٪۹۰	مرحله دوم	

جدول ۴: نتایج دیدگاه خبرگان حاصل از پرسشنامه دوم

میزان تاثیرگذاری در وضعیت فعلی کشور		عوامل تاثیرگذار بر شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
کم و خیلی کم	خیلی زیاد و زیاد	
٪۲۹	٪۷۱	تاثیر سیاست گسترش پایه مالیاتی در میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار در کشور
٪۴۸	٪۵۲	تاثیر اندازه دولت در پرداخت مالیات
٪۳۳	٪۶۷	تاثیر مقدار درآمدهای نفتی (میزان وفور منابع طبیعی) در میزان پرداخت مالیات



میزان تاثیرگذاری در وضعیت فعلی کشور		عوامل تاثیرگذار بر شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
خیلی زیاد و زیاد	کم و خیلی کم	
٪۸۶	٪۱۴	تأثیر سیستم الکترونیکی پرداخت مالیات در کاهش زمان پرداخت و بهبود فضای کسب و کار
٪۷۱	٪۲۹	تأثیر گسترش و ترویج روش خوداظهاری در پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار
٪۷۲	٪۲۸	تأثیر اندازه بخش غیررسمی (اقتصاد زیرزمینی) در میزان پرداخت مالیات
٪۸۶	٪۱۴	تأثیر بازنگری در قوانین مالیاتی بر محقق شدن درآمدهای مالیاتی و بهبود فضای کسب و کار
٪۶۶	٪۳۴	تأثیر سیاست معافیت مالیاتی
٪۶۷	٪۳۳	تأثیر اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده بر میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار

در جدول ۵ نیز راهکارهای پیشنهادی خبرگان برای ارتقای شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار ارائه شده است. همان طور که مشاهده می‌کنید شفاف سازی و مشخص نمودن دقیق موارد مصرف مالیات توسط دولت، جلب اعتماد و ایجاد اطمینان مودیان مالیاتی و گسترش و ارتقاء فرهنگ پرداخت مالیات دارای بیشترین فراوانی و جزو مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار عنوان شده است.

جدول ۵: راهکارهای پیشنهادی خبرگان برای ارتقای شاخص پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار

راهکار پیشنهادی	فراوانی نسبی
شفاف سازی و مشخص نمودن دقیق موارد مصرف مالیات توسط دولت	٪۸۷
جلب اعتماد و ایجاد اطمینان مودیان مالیاتی	٪۸۷
گسترش و ارتقاء فرهنگ پرداخت مالیات	٪۸۲

فراوانی نسبی	راهکار پیشنهادی
۶۷٪	توجیه و آموزش دستگاه‌ها و نهادها و همکاری بین آنها به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی
۵۴٪	جذب نیروی انسانی با مدرک تحصیلی مرتبط و استفاده از ماموران مالیاتی متخصص و مجرب
۵۱٪	تشخیص دقیق مودیان مالیاتی
۴۴٪	وضع تخفیف‌های مالیاتی برای افراد خوش حساب و اتخاذ سیاست‌های تنبیهی برای متخلفان
۴۲٪	معرفی بهترین مودی مالیاتی برای تشویق سایر مودیان
۳۸٪	پرداخت حقوق مکفی به ماموران مالیاتی متناسب با عملکرد و دقت در تشخیص
۳۱٪	اصلاح آیین‌نامه‌ها در تحریر دفاتر و انطباق کامل آنها با عملکرد واقعی

۵- نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سهولت فضای کسب و کار، شاخص پرداخت مالیات است. آمار گزارش شده توسط Doing Business حاکی از این امر است که شاخص پرداخت مالیات و همچنین شاخص سهولت فضای کسب و کار در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. لذا در این مقاله با استفاده از روش دلفی و با استفاده از دیدگاه‌های حدود سی نفر از خبرگان در زمینه‌های مرتبط با مالیات و فضای کسب و کار، به بررسی عوامل تاثیر گذار بر میزان پرداخت مالیات به عنوان یکی از شاخص‌های ده‌گانه فضای کسب و کار پرداخته شد. با توجه به نتایج حاصل، موارد زیر به عنوان مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار در میزان پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار کشور تعیین گردید:

- کاهش زمان پرداخت مالیات، کاهش هزینه‌های وصول مالیات از طریق
 - استفاده از سیستم الکترونیکی پرداخت مالیات
 - گسترش و ترویج روش خوداظهاری به منظور تمکین مودیان در پرداخت مالیات
 - توجیه و آموزش سایر دستگاه‌ها و نهادها و همکاری بین آنها به منظور کاهش

فرار مالیاتی

- افزایش پایه مالیاتی، میزان وصول پرداخت مالیات و بهبود فضای کسب و کار از طریق:

- بازنگری در قوانین مالیاتی
- اجرای کامل قانون مالیات بر ارزش افزوده و بسته‌های سیاستی آن
- کاهش اندازه بخش غیررسمی (اقتصاد زیرزمینی)
- گسترش و ارتقاء فرهنگ پرداخت مالیات از طریق:
 - اجرای برنامه‌های تشویقی برای مودیان خوش حساب و و تنبیهی برای متخلفان
 - تبیین دقیق موارد مصرف مالیات توسط دولت و گزارش منظم آن به مردم
 - ایجاد اطمینان برای مالیات دهندگان از پوشش منصفانه نظام مالیاتی

منابع

الف. فارسی

آذر، عادل و فرجی، حجت (۱۳۸۱)، علم مدیریت فازی، مرکز مطالعات و بهره‌وری، انتشارات اجتماع

اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۲)، تصمیم‌گیری گروهی و نظریه بازیها با نگرش تحقیق در عملیات، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ

معاونت برنامه‌ریزی و فن‌آوری اطلاعات دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت شاخص پرداخت مالیات و راهکارهای قانونی بهبود آن

جعفری، نیلوفر و منتظر، غلامعلی (۱۳۸۷)، «استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاست‌های مالیاتی کشور»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۱-۱۱۴

وزارت امور اقتصاد و دارایی، سازمان امور مالیاتی کشور، معاونت برنامه‌ریزی و پژوهشی (۱۳۸۴)، طرح برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان امور مالیاتی کشور، بیانیه ماموریت، چشم‌انداز و ارزشهای سازمان امور مالیاتی کشور

ب. انگلیسی

- Dalkey, Norman & Helmer, Olaf (1963) "An Experimental Application of the Delphi Method to the Use of Experts", Management Science, Vol.9, No.3, p. 458
- Doing Business 2010, Comparing regulation in 183 Economies, World Bank, September 2009
- European Commission (2000) Tax Policy in the European Union; European Communities
- Loo, Robert (2002) "The Delphi Method: A Powerful Tool for Strategical Management", An International Journal of Police Strategies & Management, Vol.25, No.4, p.762
- Li, Yuan & Liao, Xiuwu (2007) "Decision Support for Risk Analysis on Dynamic Alliance", Decision Support Systems, Vol.42, No.4, p.2043
- Neiger, Brad & Barnes, Michael & Rosemary, Lindman (2001) "Use of the Delphi Method and Nominal Group Technique in Font-End & Market Segmentation", American Journal of Health Studies, Vol.17, No.3, p.111
- www.DoingBusiness.org
- www.pwc.com/payingtaxes



مجلس شورای عالی اقتصاد

چهارمین همایش سیاست‌های
مالی و مالیاتی ایران